

یک خاطره، یک عکس

من آنجا بودم



در یکی از روزهای زمستان بود که برای پوشش یک مراسم رسمی حوالی چهارراه مولوی با شخصی برخورد کردم که تلاش می کرد شبیه مایکل جکسون برقصد، آن هم وسط خیابان! وقتی نزدیکتر رفتم متوجه شدم همه محل او را می شناسند و حسین مایکل صدایش می کنند. یک عکس از مایکل جکسون به گردنش آویخته بود و می‌رقصیدم بی‌خامنی است که مدت‌هاست شب‌ها درحیاط مسجدی در همان حوالی می‌خوابد. هر روز همین لباس‌ها را می‌پوشد و با البومی از عکس‌های مختلف مایکل جکسون به خیابان می‌آید. چندان بر رفتار خود تعادل نداشت اما این عدم تعادل فقط در جهت شادیِ خود و استحالۀ در شخصیت مایکل جکسون بوده نه آزار دیگران. چند ماه بعد یکی از عکاسان برای تهیه گزارش تصویری به سراغش رفته بود. دیگر آنجا نبود و البته مایکل هم نبود.

پس از سه ماه دارالتادیب موهایش را از ته تراشیده بود و شخصی به نام مایکل جکسون را به یاد نمی‌آورد.



آرتور روتشتاین عکاس برجسته دهه ۳۰ که کارهای مستند او و همکارانش در سازمان حمایت کشاورزی امریکا از زندگی کشاورزانی که در خلال سال‌های خشکسالی آن کشور موسوم به سال‌های سیاه دست به مهاجرت دسته‌جمعی به سوی شهرها زده بودند، منجر به تأثیرات اجتماعی بسیار گسترده و حتی تغییر و تدوین قوانین تازه‌ای در کشور آن کشور شد، در سال ۱۹۷۱ در مقاله‌ای با عنوان «عکاسی زبان جهانی» در مجله فیمس فتوگرافرز نوشت: «عکاسی فراگیرترین و قوی‌ترین زبان جهانی است؛ زبانی که از محدوده تمامی نژادها، سیاست‌ها و ملیت‌ها فراتر می‌رود… تصاویر عکاسی، در مقایسه با کلمات، با سرعت بیشتری در ذهن انسان جای می‌گیرد.»^۱

زبان، آینه ه‌ویت، قومیت و فرهنگ یک جامعه است. مشترکات زیادی میان زبان و هنر وجود دارد که باعث می‌شود به رغم تفاوت‌های ساختاری بنیادینی که میان این دو وجود دارد، در معنای استعاری از هنر به عنوان نوعی زبان یاد شود. روتشتاین هم با استفاده از عبارت «زبان عکاسی» در واقع به رواج عمومی و گسترده عکاسی در میان مردم دنیا فارغ از محدودیت‌هایی که مرزبندی‌های جغرافیایی، نژادی، سیاسی و حتی زبانی ایجاد کرده است، و نیز جهانشمول بودن آن اشاره دارد. سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی را از جهاتی شاید بشود نقطه عطفی در استفاده‌های تأثیرگذار از عکس در رسانه‌های بین‌المللی دانست. در آن دهه امکان مخابره رادیویی و تلفنی عکس و سهولتی که شبکه همکاری خبرگزاری‌ها و ینگاهای خبررسانی در انتقال عکس ایجاد کردند، نقش آن را در فرهنگ‌سازی و حتی تغییرات سیاسی و اجتماعی تقویت کرد و اهمیت بین‌المللی آن را نیز بسیار افزایش داد. امروزه هم

در نقطه عطف دیگری از نظر استفاده از عکس و عکاسی در جهان قرار داریم.امروزه هم گسترش شبکه اینترنت و ارتباطات مجازی و سایبرنتیک مفاهیم جدیدی را در روابط اجتماعی به وجود آورده که حتی مرزبندی‌های کلاسیک را هم در تمام شکل‌ها و شیوه‌های آن دستخوش دگر گونی و جابه‌جایی کرده است. در چنین دنیایی معنای بسیاری از کلمات نیز که به قول روتشتاین بیشتر از تصاویر تفسیرپذیرند، تغییر کرده و در این میان مفاهیمی مانند «هویت» و «استقلال» نیز جابه‌جا شده، ابعاد تازه‌ای یافته و با مقتضیات جدید تطبیق یافته‌اند. هنر و فرهنگ هر جامعه‌ای بر گرفته از خصایص بومی آن جامعه‌است و ریشه در ساخته‌ها و محصولات فکر و دست مردم آن جامعه دارد. فرهنگ مستقل، فرهنگی است که هر پدیده بیرونی و بیگانه‌ای را که در آن وارد می‌شود، با ویژگی‌ها و اقتضائات خود از تمام جهات تطبیق داده و در خود حل کند. در غیر این صورت خود به مرور تحت تأثیر آنها رنگ باخته، ضعیف شده و از بین خواهد رفت.

عکاسی هنری غربی است و بیش از هر رشته دیگری به تکنولوژی وابسته است. این رشته از قضا تقریباً از همان ابتدای پیدایش آن به کشور ما آمد. اما صرف داشتن پیشینه طولانی نباید باعث شود است در این مورد وجود داشته باشد، ببندیم. درست است که عکاسی خیلی زود به کشور ما آمد اما همراه آن تکنولوژی لازم نیامد. نمی‌توانست هم نباید زیرا تولید یک تکنولوژی تازه نتیجه عوامل اجتماعی متعددی است که ریشه در قرون و اعصار متعددی دارد و چنین ریشه‌ای در کشور ما در آن

گفتاری درباره نگاه در عکاسی

زمان وجود نداشت. لذا مانند بسیاری از پدیده‌های دیگر، در عکاسی هم مصرف‌کننده تکنولوژی بودیم. مصرف‌کننده یعنی اینکه از ساخته‌های دیگر و عمل دیگران استفاده کرده و خودمان تولید نکنیم یعنی فقط دوربین عکاسی به ایران آورده شد و فرهنگ این رشته از ابتدا به طور کامل پا نگرفت. تکنولوژی همیشه در غرب تولید شده است. وقتی

 	نکته – درست است که عکاسی خیلی زود به کشور ما آمد اما همراه آن تکنولوژی لازم نیامد. نمی‌توانست هم بیاید زیرا تولید یک تکنولوژی تازه نتیجه عوامل اجتماعی متعددی است که ریشه در قرون و اعصار متعددی دارد و چنین ریشه‌ای در کشور ما در آن زمان وجود نداشت. لذا مانند بسیاری از پدیده‌های دیگر، در عکاسی هم مصرف‌کننده یعنی تکنولوژی بودیم.مصرف‌کننده یعنی اینکه از ساخته‌های فکر و عمل دیگران استفاده کرده و خودمان تولید نکنیم یعنی فقط دوربین عکاسی به ایران آورده شد و فرهنگ این رشته از ابتدا به طور کامل پا نگرفت.	
---	--	---

یک پدیده تکنولوژیکی به جامعه‌ای وارد می‌شود کلمات، جملات، و رفتارهای زبانی تازه‌ای را هم با خود می‌آورد. زبان هم همان طور که گفتیم، آینه ه‌ویت و فرهنگ یک جامعه است. پس ورود هر پدیده تکنولوژیکی به هر جامعه‌ای با قومیت، هویت و استقلال فرهنگی آن جامعه برخورد دارد. در زبان عربی به عنوان مثال نمی‌شود کلمه‌ای از

زبان‌های دیگر بدون تغییر و استحاله در ساختار آن زبان وارد شده و به کار برده شود ولی زبان خودمان را در نظر بگیرید. چقدر واژه‌های خارجی بدون هیچ تغییری و عیناً مانند زبان اصلی مورد استفاده قرار دارد؟ کلماتی مانند رادیو، تلفن، پست و اخیراً هم چت، اد ای‌میل و شاید ده‌ها و صدها نمونه دیگر. ما از ابتدای پیدایش عکاسی تاکنون در جهت بومی کردن فرهنگ این رشته در جامعه خود تلاش چشمگیری نکرده‌ایم و همواره به عنوان مصرف‌کننده آن باقی مانده‌ایم. هنوز هم بعد از حدود یکصد و هفتاد سال از ورود این رشته به کشورمان هیچ تولیدی در زمینه محصولات عکاسی نداریم. البته این یک روی قضیه است. روی دیگر آن هم فعالیت‌های فرهنگی و هنری عکاسی است که از این نظر آمار و ارقام بسیار جالب توجه و تامل است. همین جا می‌خواهم بگویم در سال‌های اخیر اگرچه آمار و ارقام در تحلیل‌های کمی که برای گزارش‌های مالی و بودجه‌ای خوب است، رشد و توسعه عکاسی را نشان می‌دهد – که درست هم هست – ولی از نظر کیفی و دستیابی به استقلال بیانی و هویت بومی و نگاه مستقلی که از آن به عنوان نگاه ایرانی یاد می‌کنیم، رشدی نداشته‌ایم. سهولت استفاده از تکنیک‌های ساخت و پرداخت عکس را که تکنولسوزی دیجیتال به ارمان‌ا آورده و منجر به تولید عکس‌هایی شده که بیشتر تصویرکننده فضاهای سورئالیستی و فراواقعی ذهنی است و طبعاً با اعجاب و حیرت به خصوص برای بینندگان عام و غیرحرفه‌ای همراه است نباید به حساب پیشرفت گذاشت. آشنایی با پدیده‌های تازه لازم است، استفاده از آخرین

سال پنجم ■ شماره ۱۰۶۵ ■ یکشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۸۹ ■ **برعکس ۱۵**



پرسش دیگری در زمینه عکاسی از آثار تاریخی این است که آیا لازم است عکاس اطلاعات تاریخی و معماری داشته باشد؟ افشین بختیار در پاسخ می‌گوید: «وقتی می‌خواهم به شهری بروم به زور کتاب یا جزوه‌ای پیدا می‌کنم تا پیشینه تاریخی و فرهنگی شهر و اثر را بدانم. وقتی وارد مقصد می‌شوم هم سعی می‌کنم از منابع دیگر اطلاعات کسب کنم اما تشخیص اینکه کدام اطلاعات درست است با من نیست و لازم است متوالیان کار اطلاعات صحیح را در اختیار بگذارند. پیش آمده که به من گفته‌اند توضیحات ذیل عکس در کتاب اشتباه است. من فقط عکس‌های کتاب را تهیه کرده‌ام و نوشته‌ها کار نویسنده بوده است که در هر صورت ارائه منبع صحیح لازم است.»

وی ادامه می‌دهد: «به عنوان مثال مسجد خوانسار مسجد فوق‌العاده زیبایی است یا مسجد گلپایگان، اما به سختی می‌توان یک ورق اطلاعات راجع به این بناها پیدا کرد. برای همین در بازدید از بناها از نگهبان، خادم و همسایه آن می‌پرسم ولی مستند بودن آنها مشخص نیست. همین الان با حدود پنج هزار جلد کتاب که در کتابخانه دارم باز هم در مواردی به سختی می‌توانم اطلاعات درست به دست بیاورم.» بختیار در پاسخ به این سوال که با توجه به حجم آثار در ایران عکاسی و مستندنگاری از چه اهمیتی برخوردار است، می‌گوید: «فکر می‌کنیم آثار داریم، با حفاری‌های مجاز و غیرمجاز، سیم‌کشی اداره برق یا تخریب بنا به منظور تعریض خیابان خیلی از آثار را خراب کرده‌ایم. در کشورهای دیگر مانند این است که آثار را از لافه درآورده‌اند. از آثار تاریخی درآمد دارند.»وی در مورد آثار طبیعی و طبیعت نیز معتقد است: «از طبیعت چیز زیادی باقی نمانده. یک بار صبح زود با یک گروه فرانسوی در راه بودیم. حوالی قم و سلفچگان حجم زیادی کیسه زباله چسبیده به بوته‌ها برق می‌زد. فرانسوی پرسید اینجا چیست؟ گفتیم پنبه‌کاری است. هر جا می‌روی، ساحل، کوه و جنگل بطری نوشابه خانواده و زباله‌های دیگر آنقدر زیاد است که انگیزه‌ای برای عکاسی باقی نمی‌ماند.»

بختیار در تکمیل صحبت خود می‌گوید: «حفظ آثار تاریخی و طبیعی تنها وظیفه دولت نیست ما ملت هم وظیفه‌ای داریم. هر جا می‌روی از حجم انبوه زباله حالت تهوع به آدم دست می‌دهد و همچنین تغییراتی که در طبیعت داده می‌شود، به طرف محلات بروید ببینید چطور کوه‌ها را برش داده‌اند یا از اسالم به خلخال، ۴۰ کیلومتر از جنگل خورده شده است، خب چه کسی این کارها را می‌کند؟ ملت درختان را می‌برد و با آن خانه می‌سازند.» بختیار تأکید می‌کند: «هر بار می‌روم آثار را می‌بینم دلم می‌سوزد و با خودم می‌گویم کاش همان روز اول کامل عکس می‌گرفتم.» منبع:CHN

آلین‌وشی

تمیز کردن دوربین

آن را در تمام تصاویرتان نشان خواهد داد. گرچه می‌توانید خودتان حسگر را تمیز کنید اما پیشنهاد می‌کنم آن را به یک عکاسی ببرید تا به طور تخصصی تمیزش کنند. از دیگر اجزای دوربین‌تان هم محافظت کنید خصوصاً از اسلات‌های کارت حافظه و باتری. هر گز چیزی را در اسلات‌کارت حافظه وارد نکنید که ممکن است باعث شکستن پین‌های کوچک آن شود. برای تمیز ماندن بهتر است همواره یک کارت حافظه را داخلش بگذارید یا دست‌کم کاور آن را ببندید.



اگر عکس‌هایتان همواره مات و محو می‌افتند ممکن است به این معنا باشد که لنز دوربین‌تان را باید پاک کنید. اکثر دوربین‌های دیجیتال ویژگی افزودن یک فیلتر فرابنفش UV را دارند که نه تنها لنز را در برابر کثیفی بلکه از خراش هم محافظت می‌کند. اما دوربین‌های ارزان‌تر این ویژگی را ندارند پس به یاد داشته باشید لنز آن را در مواقعی که استفاده نمی‌کنید پوشانید و آن را لمس نکنید. بیش از حد لنز دوربین را تمیز نکنید. بسته به فاصله زمانی استفاده شما از دوربین، هر چند هفته یا چندماه یک بار مناسب است. برای تمیز کردن لنز، کیت مخصوص پاک کردن لنز را برداشته و با استفاده از برس لنز هر گونه ذرات چسبیده را از سطح لنز پاک کنید. کمی مایع پاک‌کننده لنز روی پارچه مخصوص بریزید و با حرکت دادن دایره‌وار روی لنز، آن را تمیز کنید. با استفاده از یک دمنده هوا لنز را خشک کنید یا بگذارید به طور طبیعی خشک شود. از هر گونه ماده ساینده همچون صابون یا محکم تمیز کردن لنز مانند تمیز کردن بدنه دوربین خودداری کنید.

مراقب باشید که با تمیز کردن مداوم در یک جهت روی لنز لک پدیدارید. حرکت دایره‌وار را از بالا به پایین یا به طرفین تغییر دهید.

اگر می‌توانید لنزهای دوربین‌تان را تعویض کنید، اطمینان حاصل کنید که دوربین خاموش باشد و در محیطی با گرد و غبار کم باشید که اگر روی حسگر تصویرتان گردی بنشیند،

موانع بسیار در مسیصر عکاسی از آثار تاریخی

با رفع موانع عکاسی از آثار تاریخی، این آثار به حافظه تاریخی سپرده می‌شوند و انجام کار مرمت و بازسازی، اصولی و منطبق با اصل اثر امکان‌پذیر خواهد بود. هنگامی که یک بنای تاریخی از بین می‌رود، گونه‌ای حیوان منقرض می‌شود یا درخت کهنسال‌ی خشک می‌شود به دنبال عکسی می‌گردیم تا موجودیت‌اش را به خاطر بیاوریم و به یاد بیاوریم شکل و شمایلش را و اگر زمینه‌ای مهیا شد هر چند نتوانست‌ایم اصل را حفظ کنیم ولی شاید بتوانیم حداقل با عکس، به وجودش افتخار کنیم. مقایسه عکس‌های ۳۰ سال پیش سائیتی مانند تخت جمشید با عکس‌های فعلی آن هم جالب خواهد بود و هم تغییرات را نشان می‌دهد.

عکاسی از آثار تاریخی و طبیعی یکی از شیوه‌های حفظ محسوب می‌شود. هنگام مرمت یا در صورت تخریب اثر تاریخی، برای بازسازی، عکس تنها سندی خواهد بود که می‌تواند به ساخت اثر مشابه نمونه اصلی رهنمون کند. امکان این اتفاق برای هر بنای کوچک و بزرگی هست اما شاید نمونه ملموس آن ارگ بم باشد که وقتی بر اثر زلزله فروریخت، وجود عکس نه‌تنها از کلیات و منظر آن بلکه از جزء-جزء آن لازم بود تا بتوان مانند آن را ساخت.

در رابطه با اهمیت مستندسازی و وضعیت فعلی، افشین بختیار عکاس و مستندنگار می‌گوید: «همین ارگ بم قبل از زلزله در مستند ایران کار آقای مجتهدی بود اما بخش نشد یا خودم حدود هزار فریم با تمام جزئیات عکاسی کردم. روز بعد از زلزله در منطقه بودم و حدود دو هفته پیش هم برای عکاسی از نخلستان‌های بم رفتم. اما از آنجا که وقتی اتفاقی می‌افتد به دنبال چاره می‌گردیم، پس از زلزله سازمان دست به دامان خیلی جاها شد تا عکس گردآوری کنند، من هم وظیفه خود می‌دانستم که همکاری کنم، پس ۴۰۰ فریم پست کردم. قرار بود کپی کرده و استفاده کنند و فریم‌ها را برگردانند اما خبری نشد و وقتی پیگیری کردم گفتند عکسی به دست ما نرسیده است.»

وی در توضیح جنبه دیگر کار می‌گوید: «کسانی که در این رابطه مسوولیت دارند نه‌تنها زمینه مستندسازی و عکاسی را فراهم نمی‌آورند بلکه مانع هم می‌شوند. کاری دارم که روی آن نوشته عکاس میراث فرهنگی ولی هر جا می‌روم مانع عکاسی می‌شوند. یک جا می‌گویند دوربین حرفه‌ای است، یک جا می‌گویند نباید از سه‌پایه استفاده کنی، معلوم است که برای عکاسی از یک اثر تاریخی از دوربین حرفه‌ای استفاده نمی‌شود.» وی معتقد است: «متوالیان زمینه عکاسی از آثار را فراهم کنند و در ازای آن عکاس موظف باشد فریم‌هایی به آنها بدهد و به این ترتیب آرشو سازمان نیز تکمیل خواهد شد.» بختیار معتقد است: «عکاسی به منظور مستندسازی با عکاسی هنری تفاوت دارد. در کتاب‌های انتشاراتی مانند سپاس‌ولی یا میردشتی عکس‌هایی استفاده می‌شود که جنبه زیبایی داشته باشند مثلاً نور قشنگ صبحگاهی یا یک غروب زیبا در تخت جمشید. این کارها تحقیقی نیستند زیرا مردم نمی‌خواهند وارد جزئیات شوند.»

وی در رابطه با مشکلات عکاسی در حال حاضر می‌گوید: «الان بیشتر آثار در حال بازسازی هستند، البته بازسازی به شیوه غلط و هر جا که می‌روی داربست نصب شده و در برخی بناها انبوه سیم‌های برق غیرقابل تحمل بوده و مانع عکاسی می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان به مسجد وکیل شیراز، مسجد جامع نطنز و مجموعه گنجعلی‌خان در کرمان اشاره کرد که سیم‌کشی انسان را از عکاسی بیزار می‌کند. یا در جای دیگری می‌بینی که می‌خواستند نورپردازی کنند اما روی بنای آجری چرا یاد نور رنگی انداخت؟»

برشش تاریخی در زمینه عکاسی از آثار تاریخی این است که آیا لازم است عکاس اطلاعات تاریخی و معماری داشته باشد؟ افشین بختیار در پاسخ می‌گوید: «وقتی می‌خواهم به شهری بروم به زور کتاب یا جزوه‌ای پیدا می‌کنم تا پیشینه تاریخی و فرهنگی شهر و اثر را بدانم. وقتی وارد مقصد می‌شوم هم سعی می‌کنم از منابع دیگر اطلاعات کسب کنم اما تشخیص اینکه کدام اطلاعات درست است با من نیست و لازم است متوالیان کار اطلاعات صحیح را در اختیار بگذارند. پیش آمده که به من گفته‌اند توضیحات ذیل عکس در کتاب اشتباه است. من فقط عکس‌های کتاب را تهیه کرده‌ام و نوشته‌ها کار نویسنده بوده است که در هر صورت ارائه منبع صحیح لازم است.» وی ادامه می‌دهد: «به عنوان مثال مسجد خوانسار مسجد فوق‌العاده زیبایی است یا مسجد گلپایگان، اما به سختی می‌توان یک ورق اطلاعات راجع به این بناها پیدا کرد. برای همین در بازدید از بناها از نگهبان، خادم و همسایه آن می‌پرسم ولی مستند بودن آنها مشخص نیست. همین الان با حدود پنج هزار جلد کتاب که در کتابخانه دارم باز هم در مواردی به سختی می‌توانم اطلاعات درست به دست بیاورم.» بختیار در پاسخ به این سوال که با توجه به حجم آثار در ایران عکاسی و مستندنگاری از چه اهمیتی برخوردار است، می‌گوید: «فکر می‌کنیم آثار داریم، با حفاری‌های مجاز و غیرمجاز، سیم‌کشی اداره برق یا تخریب بنا به منظور تعریض خیابان خیلی از آثار را خراب کرده‌ایم. در کشورهای دیگر مانند این است که آثار را از لافه درآورده‌اند. از آثار تاریخی درآمد دارند.»وی در مورد آثار طبیعی و طبیعت نیز معتقد است: «از طبیعت چیز زیادی باقی نمانده. یک بار صبح زود با یک گروه فرانسوی در راه بودیم. حوالی قم و سلفچگان حجم زیادی کیسه زباله چسبیده به بوته‌ها برق می‌زد. فرانسوی پرسید اینجا چیست؟ گفتیم پنبه‌کاری است. هر جا می‌روی، ساحل، کوه و جنگل بطری نوشابه خانواده و زباله‌های دیگر آنقدر زیاد است که انگیزه‌ای برای عکاسی باقی نمی‌ماند.»

بختیار در تکمیل صحبت خود می‌گوید: «حفظ آثار تاریخی و طبیعی تنها وظیفه دولت نیست ما ملت هم وظیفه‌ای داریم. هر جا می‌روی از حجم انبوه زباله حالت تهوع به آدم دست می‌دهد و همچنین تغییراتی که در طبیعت داده می‌شود، به طرف محلات بروید ببینید چطور کوه‌ها را برش داده‌اند یا از اسالم به خلخال، ۴۰ کیلومتر از جنگل خورده شده است، خب چه کسی این کارها را می‌کند؟ ملت درختان را می‌برد و با آن خانه می‌سازند.» بختیار تأکید می‌کند: «هر بار می‌روم آثار را می‌بینم دلم می‌سوزد و با خودم می‌گویم کاش همان روز اول کامل عکس می‌گرفتم.» منبع:CHN

آلین‌وشی

اولین دوربین عکاسی سه‌بعدی در ایران رونمایی شد

مهر: اولین دوربین دیجیتال عکاسی سه‌بعدی حرفه‌ای جهان در ایران رونمایی شد و قرار است تا یک هفته آینده وارد بازار کشور شود. شرکت سونی طی مراسمی از کوچک‌ترین و سبک‌ترین دوربین دارای لنز قابل تعویض در ایران برده‌پرداری کرد که این دوربین حدود ۲۲۹ گرم وزن دارد. دوربین‌های سری جدید آلفا NEX سونی هم برای عکاسان حرفه‌ای و هم برای آماتورها کاربرد خواهد داشت و اولین دوربین ساخته شده در دنیاست که قابلیت عکس گرفتن سه‌بعدی پانوراما را دارد.

مدیرعامل شرکت سونی در خاورمیانه اظهار داشت: برای عکاسانی که با دستورات و کنترل‌های فراوان و گسترده در دوربین‌های عکاسی مواجهند دوربین‌های سری NEX از ابعدی کوچک و ساده و در عین حال کارآمد برخوردار بوده و دارای تنظیماتی آسان و قابل فهم است که کاربران می‌توانند به راحتی و بدون هیچ زحمتی عکس‌های حرفه‌ای بگیرند. وی با بیان اینکه دوربین‌های سری NEX سونی مجهز به جدیدترین سنسور تصویر و پردازشگر با سرعت بالااست، گفت: این دوربین‌ها قادر هستند بالاترین کیفیت تصویر و نیز ضبط فیلم با کیفیت فول HD را در اختیار کاربران قرار دهند.

مدیرعامل سونی در خاورمیانه از وضوح تصویر ۱۴ مگاپیکسلی این دوربین‌ها و سیستم تغییر وضوح پس‌زمینه و تصاویر با کیفیت در محیط‌هایی با نور کم به عنوان دیگر ویژگی‌های این سرویس خبر داد و افزود: این دوربین‌های دیجیتال قابلیت تعویض لنز دوربین را با سایر لنزها دارند و برای عکاسی حرفه‌ای با آنها نیازی به سه‌پایه یا نور فلاش نیست. اسامو میورا با بیان اینکه پیش‌بینی می‌شود قیمت این مدل دوربین‌ها در بازار ایران بین ۷۰۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان باشد، گفت: این دوربین در اروپا، استرالیا، کانادا، تایوان و ژاپن نیز رونمایی شده است.

نام نمایندگان	حکاسی	نام گالری	ساله	اختصاصیه
محمد خوش‌رو	گالری اعتماد	۱۵ تا ۲۰	۳۰ شهریور	
عکس‌های سینمایی	پر دیس ملت	۱۰ تا ۲۰	۲ مهر	
نقطه سر خط	نمایشگاه گروهی	۱۱ تا ۲۱	۳۱ شهریور	
از جلفا تا جلفا	نمایشگاه گروهی	۱۱ تا ۱۹	۳۱ شهریور	
نمایشگاه گروهی	گالری فروهر	۱۲ تا ۲۰	سوم مهر	